

A Critical Review on the Book *Art as Therapy*

Zahra Hosseinabadi*

Negar Avishi**

Abstract

In different periods, man has turned art into a tool with the help of which he can express his inner feelings and overcome his fears. The book *Art as Therapy* has been compiled and written by Alain de Botton and John Armstrong in the field of art therapy and has been translated into Persian by Mehrnaz Mesbah. This book has been written with the aim of explaining the various functions of art in various fields of psychology, economics, etc., and although in some of the topics of art some treatment is sacrificed and reduces its true value, in some cases it offers valuable approaches. The present study has criticized the book with a descriptive-analytical method. The present article is about the quality of form and content of the Persian translation of this book and the review of the main book will not be the focus. After reading this book, it can be concluded that the purpose of the authors in writing it is to bring art down from its original position. Hence, art lovers who believe in the theory of "art for art's sake" may disagree with the contents of this book. The present book has a Platonic view of art and considers art valuable only if it can cure the mental problems of human beings.

Keywords: Alain de Botton, Art for Art, Art Therapy, Functions of Art, John Armstrong.

* Associate Professor of Art Research, Faculty Member of Faculty of Art and Architecture, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran, hosseinabadi-2007@yahoo.co.uk

** MA Student of Art Research, Faculty of Art and Architecture, University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran (Corresponding Author), negaravishiorg@gmail.com

Date received: 26/12/2022, Date of acceptance: 24/04/2023



نقد و بررسی کتاب هنر هم‌چون درمان^۱

زهرا حسین‌آبادی*

نگار آویشی**

چکیده

انسان در دوره‌های مختلف هنر را به صورت ابزاری درآورده تا به کمک آن بتواند احساسات درونی‌اش را بیان و بر ترس‌هایش غلبه کند. کتاب *هنر هم‌چون درمان* را آلن دوباتن و جان آرمسترانگ در زمینه هنردرمانی تدوین و نگارش کرده‌اند و مهرناز مصباح آن را به فارسی ترجمه کرده است. این کتاب با هدف تبیین کارکردهای گوناگون هنر در زمینه‌های مختلف روحی و روانی، اقتصادی، و غیره به‌رشته تحریر درآمده و اگرچه در پاره‌ای از مباحث هنر به‌نوعی فدای درمان می‌شود و از ارزش واقعی آن می‌کاهد، در مواردی نیز رویکردهای ارزنده‌ای ارائه می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به نقد انتقادی کتاب پرداخته است. روی سخن نوشتار حاضر با کیفیت شکلی و محتوایی نسخه ترجمه فارسی این کتاب است و نقد و بررسی کتاب اصلی محل تمرکز نخواهد بود. پس از مطالعه این کتاب می‌توان چنین استنباط کرد که هدف نویسندگان از نگارش آن این است که هنر را از جایگاه اصلی‌اش به زیر بکشند. از این رو، شاید هنردوستانی که به نظریه «هنر برای هنر» معتقدند با مطالب این کتاب مخالف باشند. کتاب حاضر نگاهی افلاطونی به هنر دارد و هنر را فقط در صورتی ارزشمند می‌داند که بتواند به درمان مشکلات روانی انسان‌ها بپردازد.

کلیدواژه‌ها: خودشناسی، کارکردهای هنر، هنر ارزشی، هنر برای هنر، هنردرمانی، هنر سفارشی.

* دانشیار پژوهش هنر، عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران،
hosseinabadi-2007@yahoo.co.uk

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان،
ایران (نویسنده مسئول)، negaravishiorge@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۴



۱. مقدمه

توافق گسترده‌ای در زمینه اهمیت هنر وجود دارد، اما گفتن دلیل آن برای برخی بسیار دشوار است. باین حال، اگر قرار است هنر از امتیازات خود بهره‌مند شود، باید بتواند ارتباط خود را به روش‌های قابل درک به صورت گسترده برای مخاطبان گوناگون شرح دهد. امروزه، برای هنر کارکردهایی فراتر از زیبایی وجود دارد؛ هنردرمانی نیز یکی از این کارکردهاست که در کتاب هنر هم‌چون درمان به آن پرداخته شده است. جوانمرد به نقل از پاکباز بیان می‌کند:

هنر می‌تواند زیبا و ارزشمند و فراتر از هدفی سودمند باشد. امروزه هنر جایگاه و کارکرد بااهمیتی یافته است و به زبان جهانی تبدیل شده که گاهی در کنار فرهنگ و باور، نمایش و تبلیغات، تجارت و سیاست، کاربردی و مفهومی، بصری و تجسمی، و حتی درمانی دیده می‌شود (جوانمرد ۱۳۹۷: ۲).

رضی‌پور نیز از قول هلن لاندگارتن بیان می‌کند که «هنردرمانی» می‌تواند در برون‌ریزی هیجانی، والایش، و خلاقیت در جامعه نقش داشته باشد. او هم‌چنین به نقش مثبتی اشاره می‌کند که هنردرمانی می‌تواند در بیمارستان‌های عمومی و روانی، مؤسسات بهداشت روانی، کلینیک‌های خصوصی برای سالمندان، برنامه‌های توان‌بخشی برای معلولان جسمانی، زندان‌ها، و حتی برای افراد سالم، که قصد دارند موفق‌تر زندگی کنند، ایفا کند (رضی‌پور ۱۳۸۷: ۱۴).

«هنردرمانی از زمانی که برای اولین بار توسط آدریان هیل در سال ۱۹۴۲ توصیف شد، مفید و مؤثر شناخته شد. حتی قبل از این زمان، هنردرمانی برای تقویت اخلاقی و روان‌کاوی مورد استفاده قرار می‌گرفت» (Bitonte and Santo 2014: 18). در تعریف هنردرمانی تاکنون مطالب بسیاری نگارش شده است، مانند تعریف زیر که مظفریان به آن اشاره می‌کند:

هنردرمانی رشته‌ای است که در آن با خلق یا مشاهده یک اثر هنری از طریق دریافت و بیان احساسات شخص برای کمک به او استفاده می‌شود. تمرکز هنردرمانی بر فرایند خلق یک اثر هنری می‌باشد و فعالیت‌های مقدماتی به کار گرفته شده برای درمان به خلق اثر و نتیجه حاصل از آن ترجیح داده می‌شود. در این رشته ممکن است یک قطعه هنری هیچ‌گاه به پایان نرسد (مظفریان ۱۳۸۷).

اما در کتاب هنر هم‌چون درمان هنردرمانی، برخلاف تعریفی که بیان شد، فقط از طریق مشاهده انجام می‌شود. به عبارت دیگر، در تعریفی که پیش‌تر ارائه شد، درمان‌جو با کمک هنرمند یا درمان‌گر شروع به خلق اثر هنری می‌کند و در این مسیر به نحوی درمان می‌یابد. در این روش

نتیجه کار اهمیت زیادی ندارد، بلکه فرایند خلق اثر است که می‌تواند در روح و روان درمان‌جو تأثیر بگذارد. این درحالی است که در کتاب حاضر نویسندگان پیش‌نهاد می‌کنند فرایند خلق اثر هنری طبق دستورالعمل‌های ازپیش‌تعیین‌شده توسط هنرمندان انجام گیرد و مخاطب فقط با مشاهده یا شنیدن اثر هنری تسکین یابد.

در منابع متعددی از نقش درمانی هنر سخن گفته شده است: از جمله کتاب هنردرمانی: مقدمه‌ای بر هنردرمانی ویژه گروه‌ها اثر علی زاده‌محمدی (۱۳۸۹)؛ کتاب هنردرمانی خلاق به قلم دیوید ادواردز و ترجمه سعید دهنوی و الهه احدنژاد تبریزی (۱۳۹۵)؛ پایان‌نامه مطالعه تحلیلی هنردرمانی با تأکید بر تفاشی درمانی از جعفر رضی‌پور (دانشکده هنر دانشگاه شاهد ۱۳۸۷)؛ مقاله «تاریخچه هنردرمانی و هنردرمانی و مغز» به قلم علی زاده‌محمدی و دیگران (پژوهشکده خانواده و مرکز مطالعات درمانی دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۶). در زمینه نقد و بررسی کتاب هنر هم‌چون درمان نیز علی اتحاد (۱۳۹۵) مقاله‌ای با نام «هنر هم‌چون درمان؛ راه‌کاری عملی درباره کتاب هنر هم‌چون درمان» نوشته که در آن کتاب اصلی و ترجمه آن نقد شده است، اما بیش‌تر بر جنبه محتوایی کتاب و فعالیت آلن دوباتن و جان آرمسترانگ در خصوص تأسیس مدرسه زندگی و تعمیم این کتاب در یافتن کارکردهای بیرونی در مسیر استفاده از هنر برای درمان پرداخته شده است. با توجه به گستردگی نظریات در خصوص هنر و نقش و جایگاه آن در جامعه، امروزه شاهد تفاوت‌های بسیاری در به‌کارگیری هنر در زمینه‌های گوناگون هستیم که مخاطب را دچار سردرگمی می‌کند. از طرفی، درحالی‌که فقر‌گریبان‌قشری از جامعه را گرفته است، آثار هنری با قیمت‌های نجومی در نمایشگاه‌ها خرید و فروش می‌شوند و، از طرف دیگر، عده‌ای از صاحب‌نظران در تلاش‌اند تا در تقابل با بحث تقدس‌گرایی در هنر و آثار هنری آن را از جایگاه اصلی خود به زیر بکشند و ارزش آن را به کلی از بین ببرند. در این هنگام باید تلاش شود میان این دو جبهه تعادل برقرار شود و جایگاه اصلی هنر حفظ شود. از طرفی، این نظریه که آثار هنری به دلیل این‌که از ذهن و تخیل هنرمند زاده می‌شوند ارزش‌مندند، قابل احترام است، اما در شرایطی که تعدادی از افراد جامعه با فقر شدید روبه‌رو هستند پرداختن هزینه‌های سرسام‌آور صرفاً برای تابلویی که برای تزئین محیط استفاده می‌شود می‌تواند از نظر عده‌ای غیرعقلانی و حتی بی‌رحمانه باشد. از طرف دیگر، این‌که از هنر انتظار داشت که بتواند، علاوه بر زیبایی، کارکردهای دیگری چون درمان داشته باشد نیز قابل احترام است، اما این‌که در تقابل با نمایشگاه‌ها و موزه‌های هنری بخواهیم ارزش آثار هنری را به کلی از بین ببریم و هنر را از جایگاه اصلی‌اش به زیر بکشیم نیز به نظر خودخواهانه است. در این میان،

ضروری است که هر دو جنبه نقد و تحلیل شود تا بتوان میان این دو جنبه تعادلی برقرار کرد و جایگاه اصلی هنر را حفظ کرد. با توجه به این ضرورت، لازم است کتاب هنر هم‌چون درمان مجدداً نقد و بررسی شود و، علاوه بر نقد محتوایی، از لحاظ صوری و نگارشی نیز به صورت عمیق‌تری بررسی شود. نویسندگان این کتاب ادعا می‌کنند که «هنر برای هنر» به‌طور غیرضروری هنر را از آشکارکردن توانایی درمانی نهفته‌اش بازداشته است و «هنر برای هنر» را شعاری سخیف می‌دانند. در این کتاب مجموعه‌ای از آثار هنری از دوره‌ها و ژانرهای مختلف گردآوری شده تا بتوان به آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای حل مسائل دشوار زندگی فردی نگاه کرد. کتاب حاضر جنبه‌ای توصیفی-تحلیلی دارد.

۲. درباره مؤلف

آلن دوباتن یک فیلسوف است و جان آرمسترانگ به‌عنوان یک مورخ فلسفی هنر معرفی شده است. آلن دوباتن نویسنده کتاب‌های پرفروش در بیش از سی کشور جهان است. او در ۱۹۶۹ در زوریخ سوئیس متولد شد و اکنون در لندن زندگی می‌کند. او درباره عشق، سفر، معماری، و ادبیات نوشته است. آلن دوباتن کتاب‌های فراوانی نظیر دین برای خدا، ناباوران، روان‌درمانی چیست، هنر سیر و سفر، و یک هفته در فرودگاه را نوشته است. آلن هم‌چنین مدرسه‌ای را در لندن به‌نام «مدرسه زندگی» راه‌اندازی کرد و به راه‌اندازی مدرسه‌ای کمک می‌کند که به دیدگاه جدیدی از آموزش اختصاص دارد (www.alaindebotton.com). مدرسه او شباهت بسیاری به آکادمی افلاطون دارد. به‌لطف پیشرفت تکنولوژی، دوباتن برای مدرسه‌اش وب‌سایتی نیز تأسیس کرده که با کمک آن افراد زیادی از سراسر دنیا می‌توانند از مدرسه‌اش دیدن و از مطالب آن استفاده کنند. در این وب‌سایت آثار هنری بسیاری جمع‌آوری شده است که مخاطب می‌تواند، با توجه به حالات روحی و احساسات خود، گزینه‌ای را انتخاب کند. سپس، به اثری هنری و توضیحاتی درباره آن ارجاع داده می‌شود که آلن دوباتن بر نقش درمانی‌ای که این آثار پس از مشاهده دقیق توسط مخاطب در احساسات او می‌گذارند تأکید دارد. در این وب‌سایت، علاوه بر آثار هنری، مواد غذایی، کتاب، و اخباری برای درمان نیز ارائه می‌شود (www.artastherapy.com). اتحاد درباره آرمسترانگ می‌نویسد:

جان آرمسترانگ (John Armstrong) متولد ۱۹۶۶ در ملبورن استرالیا است. او تحصیلات مقدماتی خود را در دانشگاه آکسفورد در رشته فلسفه آغاز کرد و پس‌از آن در

نقد و بررسی کتاب هنر هم‌چون درمان (زهرا حسین‌آبادی و نگار آویشی) ۳۳۷

ادامه تحصیلش به برنامه فلسفی مدرسه آموزش عالی لندن (School of Higher Education London) پیوست. آرمسترانگ هم‌اینک به‌عنوان مدرس و مشاور دانشگاهی فعالیت می‌کند و تألیفات بسیاری از او منتشر شده است. عمده آن‌چه جان آرمسترانگ می‌نویسد در حوزه فلسفه، زیبایی، و تمدن است. او، در جست‌وجوی یافتن بیانی تازه، شیوه‌های نوشتاری قدما را در سازوکاری معاصر به‌کار می‌بندد و از این راه نقد هنری و کنش فلسفی را به‌هم می‌آمیزد (اتحاد ۱۳۹۵: ۱۶۰).

از آثار آرمسترانگ می‌توان به کتاب‌های قدرت پنهان زیبایی و شرایط عشق اشاره کرد. در اکتبر ۲۰۱۳، کتاب هنر هم‌چون درمان، که با همکاری آلن دوباتن و مورخ هنر، جان آرمسترانگ، نوشته شده بود، وارد بازار شد. پیش‌نهاد آن‌ها این است که برخی از آثار هنری بزرگ سرنخ‌هایی درباره مدیریت تنش‌ها و سردرگمی‌های زندگی روزمره ارائه می‌دهند و هنر با رویکرد درست می‌تواند به انسان کمک کند که به سؤالات روزمره‌ای که ذهن انسان را مشغول می‌کنند پاسخ دهد (www.alaindebotton.com). آلن دوباتن و جان آرمسترانگ در این کتاب به واکاوی هنر با نگاهی فلسفی و روان‌شناختی پرداخته‌اند.

۳. درباره کتاب

کتاب هنر هم‌چون درمان نوشته مشترک آلن دوباتن و جان آرمسترانگ است با ترجمه مهرناز مصباح. در نوشتار حاضر چاپ دوازدهم نسخه ترجمه فارسی کتاب، که در پاییز ۱۴۰۰ منتشر شده، بررسی شده است. این کتاب ۳۰۱ صفحه دارد و بدون هیچ مقدمه‌ای از مترجم یا ناشر آغاز می‌شود. در این کتاب ۱۳۴ تصویر استفاده شده است. در متن کتاب از هنرمندان و نقاشان بسیاری نام برده شده که اغلب نام این اشخاص همراه با فشرده‌ای از زندگی‌نامه آن‌ها توسط مترجم در پانویس افزوده شده که از نقاط قوت کتاب محسوب می‌شود. عناوین کتاب مباحثی است درباره روش‌شناسی، عشق، طبیعت، پول، و سیاست. چنان‌که پیداست، اهم موضوعات حول محور هنر و کارکردهای آن در زمینه‌های مختلف می‌چرخد.

هنر هم‌چون درمان پس از پیش‌گفتاری دو صفحه‌ای در آغاز و پیش از نمایه‌ای سیزده صفحه‌ای در پایان، طبق مباحث کلی که در ذیل آمده، تنظیم و تدوین شده است:

روش‌شناسی: شامل این موارد است: هفت کارکرد هنر؛ فایده هنر چیست؟؛ چه هنری خوب محسوب می‌شود؟؛ چه نوع هنری باید خلق کرد؟؛ هنر را چگونه باید خرید و فروش کرد؟؛ چگونه باید هنر را مطالعه کرد؟؛ هنر را چگونه باید نمایش داد؟

عشق: شامل این موارد است: آیا می‌توانیم مهارت بیش‌تری در عشق به‌دست آوریم؟؛ عاشقی خوب بودن چه شکلی است؟؛ توجه به جزئیات؛ آیا اغواشدن مجاز است؟؛ چه کنیم که عشق دوام یابد؟؛ شجاعت سفر.

طبیعت: شامل این موارد است: به‌یادداشتن طبیعت؛ اهمیت جنوب؛ پیش‌بینی پاییز؛ ادراک آن‌چه زیباست؛ هنرمندان جدید طبیعت.

پول: شامل این موارد است: هنر هم‌چون راهنمای اصلاح کاپیتالیسم؛ مسئله ذائقه؛ نقش منتقد در تربیت ذائقه؛ به‌سوی کاپیتالیسمی روشن‌فکرانه؛ سرمایه‌گذاری روشن‌فکرانه؛ مشاوره شغلی از سوی هنرمندان.

سیاست: شامل این موارد است: هنر سیاسی باید چه‌چیز را نشانه بگیرد؟؛ به چه چیز می‌توان مفتخر بود؟؛ باید سعی کنیم چه کسی بشویم؟؛ دفاعیه‌ای بر سانسور؛ اکنون ... برای تغییر جهان؛ ضمیمه: دستور کاری برای هنر.

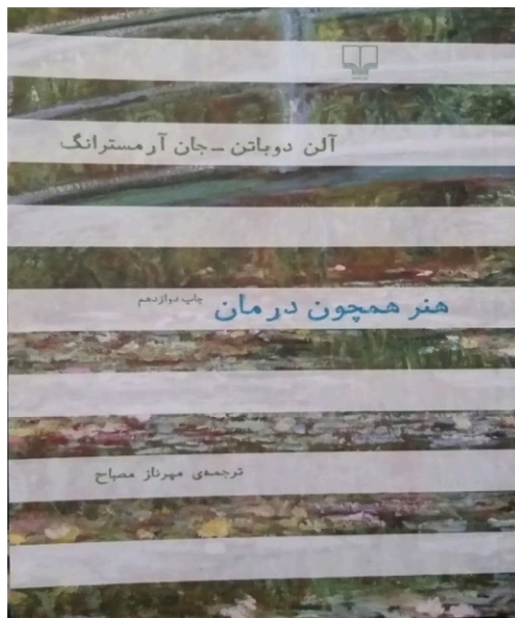
۴. نقد شکلی کتاب

۱.۴ کیفیت چاپی و فنی کتاب

این کتاب در نگاه اول به‌صورت کلی در سطح مطلوبی قرار دارد. قطع کتاب رقعی و جلدش شومیز است. ۲۱/۵ سانتی‌متر طول، ۱۴/۵ سانتی‌متر عرض، و ۲ سانتی‌متر ارتفاع دارد که اندازه استاندارد است. قلم (فونت) نوشته‌های این کتاب به‌نظر می‌رسد از خانواده B باشد و، با توجه به ابعاد کتاب، اندازه مناسبی دارد؛ اگرچه فاصله بین خطوط اگر کمی بیش‌تر بود، مطالعه کتاب آسان‌تر می‌شد. خطوط و نوشته‌ها مرتب‌اند و ابتدای هر پاراگراف، به‌جز پاراگراف بعد، از تیتروهای اصلی، کمی فرورفتگی دارد.

طرح روی جلد این کتاب، که در تصویر ۱ قابل مشاهده است، برگرفته از اثری از کلود مونه (تصویر ۲) با نام *تالاب نیلوفر آبی* است که از این تصویر در متن این کتاب و در صفحه‌شانزده نیز استفاده شده است. در پشت جلد نیز متنی با موضوع اعتماد به نفس، که در مثالی از لیوان ونیزی نهفته است، با قلمی مناسب نوشته شده است (تصویر ۳).

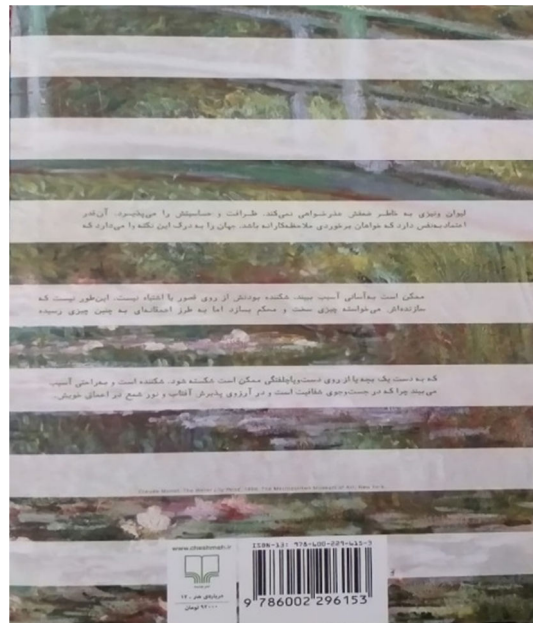
نقد و بررسی کتاب هنر همچون درمان (زهرا حسین آبادی و نگار آویشی) ۳۳۹



تصویر ۱. آلن دوباتن و جان آرمسترانگ (۱۳۹۴)، هنر همچون درمان، ترجمه‌ی مهرناز مصباح، تهران: چشمه (روی جلد)



تصویر ۲. کلود مونه (۱۸۹۹)، تالاب نیلوفر آبی (دوباتن و آرمسترانگ ۱۳۹۴: ۱۶)



تصویر ۳. آلن دوباتن و جان آرمسترانگ (۱۳۹۴)، هنر هم‌چون درمان، ترجمه مهرناز مصباح، تهران: چشمه (پشت جلد)

این کتاب در هر بخش با استفاده از تصاویر مختلف و مثال‌هایی روشن سعی داشته تا به مخاطب در درک بهتر موضوع کمک کند. تصاویر تقریباً در زیر نوشته‌ها یا در صفحه بعدی قرار گرفته‌اند که این نکته نیز می‌تواند در درک موضوع و تطبیق مثال‌ها با تصاویر کمک‌کننده باشد و این نکته از نقاط قوت این کتاب محسوب می‌شود. فهرست مطالب با متن هم‌خوانی دارد، اما بهتر بود برای تصاویر نیز فهرستی در نظر گرفته می‌شد. در فهرست مطالب به زیرمجموعه‌های مباحث اصلی نیز اشاره شده که این نیز از نقاط قوت کتاب است. ترجمه این کتاب تقریباً سلیس و روان است، اما در موارد اندکی ترجمه ضعیف و عباراتی که درک آن‌ها کمی دشوار است وجود دارد.

۲.۴ ارجاع به منابع

نویسندگان این کتاب از نظرها و استدلال‌های صاحب‌نظران دیگر در این حوزه بهره‌برده‌اند یا به دلیل عدم ارجاع‌دهی در متن این‌طور به نظر می‌رسد که این کتاب را بدون بهره‌گیری از منابع

نقد و بررسی کتاب *منرم چون درمان* (زهرا حسین‌آبادی و نگار آویشی) ۳۴۱

معتبر و صرفاً با تکیه بر دانسته‌ها و آرای خود به‌رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. البته در مواردی جملاتی را به‌نقل از دیگران در گیومه بیان کرده‌اند، اما در پایان جمله و در کل کتاب هیچ ارجاعی مشاهده نمی‌شود. با توجه به این‌که نویسندگان کتاب با بهره‌گیری از آثار هنری و هنرمندان مختلف سعی در تبیین کارکردهای گوناگون هنر در زمینه‌های مختلف داشته‌اند، عدم ارجاع به منابع دیگر از اصالت کتاب می‌کاهد. فقط در پایان برخی از صفحات معادل لاتین اسامی اشخاص و نام مکان‌ها و واژه‌های خاص اغلب هم‌راه توضیح مختصری برای درک و فهم بهتر مخاطب در زیرنویس گردآوری شده که جزو نقاط قوت کتاب محسوب می‌شود. در پایان کتاب نیز بخشی با نام «نمایه» مشاهده می‌شود که همه‌ی زیرنویس‌ها به‌ترتیب حروف الفبا و شماره‌ی صفحه‌ی زیرنویس مربوط گردآوری شده‌اند.

۳.۴ بررسی شرح و ارائه تصاویر

همان‌طور که اشاره شد، در این کتاب ۱۳۳ تصویر استفاده شده است، اما این تصاویر به‌علت چاپ سیاه و سفید از وضوح کافی برخوردار نیستند که بهتر بود، با توجه به عنوان کتاب و تأثیر درمانی تصاویر در مخاطب، از تصاویر رنگی و باکیفیت‌تری استفاده می‌شد. اندازه‌ی تصاویر با هم متفاوت است و کادر همه‌ی آن‌ها مستطیل یا مربع است؛ به‌جز تصویر شماره ۱۰ در صفحه ۲۵ که کادر آن دایره‌ای است. در این کتاب تصاویر در بخش‌های مختلف با قصد تکمیل متن استفاده شده و متن با تصویر از هماهنگی مناسبی برخوردار است، اما در برخی بخش‌ها به‌دلیل کیفیت پایین تصاویر مفهومی از آن‌ها دریافت نمی‌شود. در متن برای ارجاع به تصاویر شماره هر تصویر در پرانتز نوشته شده است؛ به‌طور مثال (۴۴) که بهتر بود به‌صورت (تصویر ۴۴) نوشته می‌شد. در زیر تصاویر، علاوه بر مشخصات و شماره‌ی آن‌ها، جمله‌ی کوتاهی در وصف تصویر و ارتباطش با متن آورده شده است.

۴.۴ اشتباهات چاپی

در صفحه ۲۵ و ۲۶ این کتاب دو تصویر قرار دارد. تصویر ۱۰ در صفحه ۲۵ از آثار آنجیکا کافمن با نام «هنرمند طراحی است دل‌سپرده به الهام شعر» و تصویر ۱۱ در صفحه ۲۶ اثری از جورج گروس با نام «ستون‌های جامعه». اما نام و مشخصات این دو تصویر به‌صورت جابه‌جا نوشته شده است و می‌تواند مخاطبی را که با این دو اثر آشنایی ندارد دچار اشتباه کند.

۵.۴ استفاده یا عدم استفاده از نشانه‌های نگارشی

منظور از این بخش استفاده نادرست از پراتز، گیومه، نقطه، ویرگول، یا نقطه‌ویرگول است. در این کتاب به‌طور کلی به‌درستی از نشانه‌های نگارشی استفاده شده است. فقط در مواردی به‌صورت غیرضروری از ویرگول استفاده شده و در موارد دیگری نیز باید برای فهم بهتر جمله از ویرگول استفاده می‌شد. مواردی که باید برای فهم بهتر جمله در آن‌ها از ویرگول استفاده کرد به شرح زیر است:

صفحه ۱۳، خط یازدهم: «فرمیر با خلق فضایی از سکون شدید توانایی زن در مجذوب‌شدن را منتقل می‌کند». استفاده از ویرگول پس از «سکون شدید»؛

صفحه ۱۸، پاراگراف سوم: «ممکن است نه به‌سبب بی‌بهره‌بودن از یک توانایی که برای نداشتن امید شکست بخوریم». استفاده از ویرگول پس از «یک توانایی».

و نمونه‌هایی از استفاده غیرضروری از ویرگول به‌صورت زیر است:

صفحه ۵۳، خط دوم: «... وقایع منفی خاص، و اغلب قدیمی‌ترینشان، را به‌طور گسترده‌ای تعمیم می‌دهد و از آن‌ها برای رسیدن به نفرتی کلی استفاده می‌کند...»؛

صفحه ۵۷، خط هجدهم: «چرا پیکاسو بخش اعظمی از سال ۱۹۷۵، یعنی هفتادوپنج‌سالگی‌اش، را صرف خلق نسخه خاص خود از این اثر بزرگ تاریخی کرد؟»؛

صفحه ۷۳، در بخش خوانش فنی پاراگراف دوم: «کوهستان سنت ویکتور، اثر سزان، را گاهی یکی از نقاشی‌های بسیار مهم جهان توصیف کرده‌اند»؛

صفحه ۸۳، پاراگراف سوم، سطر سوم: «باید به قدر کافی احساس امنیت داشته باشیم تا بتوانیم به هنر به‌عنوان تبلیغاتی برای چیزهای نسبتاً خوب، و مهم، بیندیشیم».

۶.۴ ضعف در ترجمه روان و ارائه معادل‌های نامتداول یا اشتباه

به‌طور کلی، این کتاب از ترجمه مناسبی برخوردار است. فقط در مواردی محدود از کلمات نامناسب و مبهم استفاده شده است. مثلاً، در صفحه پانزده در زیر تصویر ۲ این جمله آورده شده است: «هنر نوع خیلی پیچیده‌ای از سطل است»، اما مفهوم این جمله چیست؟ مخاطب هرچه‌قدر به مفهوم و معنی این جمله فکر کند متوجه مفهوم خاصی نمی‌شود، زیرا به‌نظر می‌رسد جمله صحیح نیست. در صفحه ۲۴، خط ۸، نوشته شده: «وقتی به هنرمند طراحی است

نقد و بررسی کتاب *منرم چون درمان* (زهرا حسین آبادی و نگار آویشی) ۳۴۳

دل‌سپرده به الهام شعر نگاه می‌کنیم، نباید گمان کنیم آنجلیکا کافمن از واقعیات زندگی زنان قرن هجده بی‌اطلاع بوده است؛ «هنرمند طراحی است دل‌سپرده به الهام شعر» نام اثری هنری است از آنجلیکا کافمن. اگر مخاطب با این اثر هنری آشنایی نداشته باشد، خواندن این جمله و درک مفهوم آن برایش دشوار می‌نماید. مترجم می‌توانست برای درک بهتر مخاطب این بخش را به صورت زیر بنویسد: «با نگاه به اثر هنری با عنوان "هنرمند طراحی است دل‌سپرده به الهام شعر"، نباید گمان کنیم که...». در صفحه شصت، خط ۱۰، آمده است: «روزمه‌های معمول ممکن است هیچ‌گاه بخش‌های مهم وجودمان را بیدار نکند؛ خواب می‌ماند تا زمانی که دنیای هنر به آن‌ها سیخونک بزند، آن‌ها را به تمسخر بگیرد و به شکلی تأثیرگذار و کمک‌کننده آن‌ها را برانگیزد»؛ واژه «سیخونک» از زیبایی متن کاسته است. می‌توان از واژه «به‌تکاپو واداشته» به جای واژه سخیف «سیخونک زدن» استفاده کرد.

۵. تحلیل محتوای کتاب

در ابتدای کتاب پیش‌گفتاری تنظیم شده است که دو مبحث اصلی کتاب را مطرح می‌کند: «هنر به چه کار می‌آید؟» و «هنر به مثابه ابزار». این کتاب در ابتدای کار هنر را به عنوان ابزار معرفی می‌کند و سپس به سراغ روش‌شناسی می‌رود و به معرفی هفت کارکرد هنر شامل به‌یادآوردن، امید، اندوه، ایجاد توازن، خودشناسی، رشد، و قدردانی می‌پردازد.

در ادامه نویسندگان دو سؤال را مطرح می‌کنند: «فایده هنر چیست؟ نتیجه هنر را هم‌چون درمان دیدن چیست؟» و در پاسخ به این سؤال‌ها هفت ضعف انسانی را، که در مطالب پیشین توضیح داده شد، به اختصار بیان و به منظور درمان این ضعف‌ها هفت کارکردی را که هنر می‌تواند در جهت رفع آن‌ها داشته باشد مختصراً بیان می‌کنند. این قسمت به عبارتی جمع‌بندی مطالبی است که از ابتدای کتاب بیان شده است. سؤال بعدی این است: «چه هنری خوب محسوب می‌شود؟» نویسندگان ذکر می‌کنند که در مواقعی شاید اثر هنری معروفی که به دست هنرمندی مشهور خلق شده چندان به نظر انسان خوش‌آیند نباشد، اما به دلیل شهرت آن اثر وانمود کند که از آن لذت برده است. به بیانی دیگر، شاید اثری هنری دارای اعتبار زیادی باشد، اما میزان تأثیری که می‌تواند در روح بگذارد اندک باشد و دلیل این اتفاق را دوری اثر از نیازهای درونی انسان استنباط می‌کنند. به همین منظور پیش‌نهاد می‌دهند که دلایل اهمیت و شهرت آثار هنری و هنرمندان در هر دوره مطالعه شود و در برخی موارد تجدیدنظری صورت گیرد.

در بخش بعد، نویسندگان انواع خوانش‌های مختلف، که می‌توان با آن‌ها اثر هنری را ارزیابی کرد، معرفی کرده‌اند. این خوانش‌ها عبارت‌اند از: خوانش فنی، خوانش سیاسی، خوانش تاریخی، خوانش شوک-ارزش، و خوانش درمانی.

«چه نوع هنری باید خلق کرد؟» پرسشی است که کتاب بخش بعدی را با آن آغاز می‌کند. در این بخش نویسندگان اظهار می‌کنند که در گذشته هنر در بند تبلیغات بوده و دولت‌ها به‌منظور بیان مقاصد و افکار خود در حوزه‌های مختلف از قبیل حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، و مذهبی از هنر استفاده می‌کردند. اما امروزه کم‌تر شاهد هنر سفارشی هستیم. این‌گونه می‌نویسند که این موضوع که هنر فقط حاصل خلاقیت ذهنی هنرمند باشد همیشه جالب نیست و به این موضوع اشاره می‌کنند که با این‌که برخی از آثار گذشتگان سفارشی بوده و خلاقیت هنرمند در ایده اولیه اثر هنری دخالتی نداشته و هنرمند صرفاً اجراکننده بوده است، باز هم اثری زیبا خلق شده است. بنابراین، در حال حاضر نیز باید شرایطی فراهم شود که هنر سفارشی مجدداً باب شود و هنرمندان با استفاده از هفت مضمون اصلی، که در کتاب ارائه شد، آثار هنری سفارشی خلق کنند.

بخش دیگری که در این کتاب درباره آن بحث شده با این سؤال آغاز می‌شود: «هنر را چگونه باید خرید و فروش کرد؟». این کتاب پیش‌نهاد می‌دهد که مؤسسات، در هنگام خرید آثار هنری، در جست‌وجوی آثاری باشند که پاسخ‌گوی نیازهای روانی مردم کشور باشد.

سؤال بعدی درباره چگونگی مطالعه هنر و چگونگی نمایش آن است. درباره نحوه نمایش آثار هنری می‌نویسد که شیوه چیدمان و ارائه آثار در گالری‌ها و موزه‌ها، به‌جای این‌که براساس تاریخ و زادگاه اثر باشد، باید بر احساسات مهمی تمرکز کند که احیاکننده تعادل و حاصل برخی آثار خاص هستند. در این دیدگاه مهم نیست که اثر هنری را چه کسی در کجا و در چه تاریخی خلق کرده و در پس خلق آن چه دیدگاهی داشته است، بلکه موضوعی که اهمیت دارد این است که چه تأثیری در تعادل روح و روان مخاطب می‌گذارد و این کمی خودخواهانه به‌نظر می‌رسد. این کتاب پیش‌نهاد می‌دهد که در سازمان‌دهی آثار هنری در موزه‌ها، به‌جای استفاده از طبقه‌بندی‌های آکادمیک، از بینش احساسی استفاده کرد. این کتاب می‌گوید آثار هنری به‌جای نگه‌داری در موزه‌ها و تشویق مردم به شیء‌پرستی باید وارد محیط زندگی انسان‌ها و جزئی از زندگی‌شان شوند.

مبحث بعدی «عشق» است. در این بخش سؤالاتی مطرح می‌شود، هم‌چون «آیا می‌توانیم مهارت بیش‌تری در عشق به‌دست آوریم؟»؛ «عاشقی خوب بودن چه شکلی است؟»؛ «آیا اغواشدن مجاز است؟»؛ «چه کنیم که عشق دوام یابد؟».

نقد و بررسی کتاب *هنر هم‌چون درمان* (زهره‌ا حسینی‌آبادی و نگار آویشی) ۳۴۵

در صفحه ۱۴۳ این کتاب، تیتیر «شجاعت سفر» مشاهده می‌شود. در یک اثر هنری می‌توان شاهد سفری باشکوه اما خطرناک بود که به انسان گوش‌زد می‌کند در این سفر خطرهایی نیز وجود دارد که باید آن‌ها را شناخت و با شجاعت پشت سر نهاد. همان‌گونه که در رابطه‌ای عاشقانه خطرهایی وجود دارد که باید با آن‌ها مقابله کرد و آن رابطه را نجات داد.

مبحث بعدی این کتاب «طبیعت» و به یادداشتن آن است. نویسندگان در این بخش به این نکته اشاره می‌کنند که در طبیعت زیبایی‌ها و نکات ارزش‌مند بسیاری نهفته است، اما انسان گاهی از آن‌ها غافل می‌شود. به وسیله هنر می‌توان به انسان کمک کرد تا از این غفلت خارج شود و به نکات مهمی که طبیعت می‌تواند به او بیاموزد بیش‌تر توجه کند و قدردان طبیعت باشد. در این بخش به مسائلی چون «اهمیت جنوب، پیش‌بینی پاییز، ادراک آن‌چه زیباست، و هنرمندان جدید طبیعت» پرداخته شده است.

این کتاب در ادامه مباحث به سراغ «پول» رفته است و با تیتیر «هنر هم‌چون راه‌نمای اصلاح کاپیتالیسم» ادعا می‌کند که نکته‌های ضروری درباره اصطلاح کاپیتالیسم وجود دارد که باید در حوزه هنر شناسایی کرد. کتاب بیان می‌کند: «ما اقتصادی می‌خواهیم که نیروهای عظیم تولید کاپیتالیسم را تحت‌کنترل دقیق‌تری از طیف و عمق نیازهایمان درآورد. شاید هنر شاه‌راه رسیدن به چنین پیشرفتی باشد» (دوباتن و آرمسترانگ ۱۳۹۴: ۱۹۱). «مسئله سلیقه»، «نقش منتقد در تربیت سلیقه»، «به‌سوی کاپیتالیسمی روشن‌فکرانه»، «سرمایه‌گذاری روشن‌فکرانه»، و «مشاوره شغلی از سوی هنرمندان» عناوین دیگری است که در این کتاب موردتوجه قرار گرفته‌اند. در بخش «مشاوره شغلی از سوی هنرمندان» نویسندگان شغل هنرمند را شغلی جذاب می‌دانند و این‌طور بیان می‌کنند که «هنرمند موفق آن زندگی‌ای را دارد که در تصویر ایدئال مدرن از کار ارائه می‌شود» (همان: ۲۲۴) و هنرمندی را مثال می‌زنند که با سه‌پایه خود به حومه شهر می‌رود و هرآن‌چه را که می‌بیند و با آن ارتباط برقرار می‌کند به تصویر می‌کشد و از راه این علاقه و لذتی که می‌برد پول درمی‌آورد.

این کتاب در بخش بعد به سراغ «سیاست» می‌رود و سؤالی را با نام «هنر سیاسی باید چه چیز را نشانه بگیرد؟» مطرح می‌کند. این کتاب، هنر سیاسی را از نظر جانب‌داری و هم‌دلی متمایل به جانب‌داری از ضعیف در برابر قوی می‌داند که بر بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی تمرکز کرده است که به دلیل این‌که در دوره‌های مختلف از سوی اهل قدرت ابزار دست حکومت‌ها قرار گرفته، مفهوم هنر سیاسی در چشم بعضی لکه‌دار شده است.

«به چه چیز می‌توان مفتخر بود؟»، «باید سعی کنیم چه کسی بشویم؟»، «دفاعیه‌ای بر سانسور»، و «اکنون برای تغییر جهان» از دیگر مباحث این بخش هستند. در بخش «اکنون برای تغییر جهان» کتاب بیان می‌کند که کسانی که به هنر علاقه‌مندند لزوماً نباید هنرمند یا محقق دانشگاهی شوند، بلکه می‌توانند مشاور زوج‌یابی، مشاور شغلی، مشاور زوج‌درمانی، یا مسئول تبلیغات باشند و تأکید می‌کند که اشتغال در این زمینه‌ها از سطوح ایدئال درک هنر نمی‌کاهد، بلکه زمینه‌ای را برای تحقق نظریه ارزش‌هایی که به‌طور سنتی در هنر بررسی شده و گسترش یافته‌اند فراهم می‌کند.

آخرین بخش این کتاب «ضمیمه: دستور کاری برای هنر» است که در این بخش برنامه فرضی برای سفارش‌دادن ارائه می‌شود و در این زمینه مواردی نیز پیش‌نهاد می‌شود و برای هرکدام محتوا و هدفی تعیین شده است.

۱.۵ نظم منطقی و انسجام محتوا

مفاهیمی که نویسندگان این کتاب در تلاش‌اند به مخاطبان القا کنند به شرح زیر است:

هنر ابزار است؛ انسان‌ها هفت ضعف عمده دارند و هنر در برابر این هفت ضعف هفت ابزار به ما ارائه می‌کند؛ برای بهره‌گیری از این ابزار و کارکردهایش باید با استفاده از خوانش‌هایی که در کتاب معرفی شده هنر خوب را بشناسیم؛ هنر در زمینه‌های مختلف زندگی انسان‌ها مانند عشق، طبیعت، پول، و سیاست می‌تواند کمک‌کننده باشد.

به همه این مطالب به‌صورت واضح و پیوسته پرداخته شده است، اما نظریه دوباتن و آرمسترانگ می‌تواند نقد شود. آن‌ها در همه قسمت‌های کتاب به‌صورت قاطعانه قصد تحمیل برداشت خود از تصاویر و آثار هنری به مخاطب را دارند. می‌گویند ما تشخیص داده‌ایم که از فلان اثر فلان حس برداشت می‌شود. بنابراین، شما هم باید همین حس را داشته باشید و به درمان خود بپردازید. به مخاطب مجالی برای برداشتی متفاوت نمی‌دهند. نسخه‌ای که برای درمان مخاطبان می‌پیشنند نیز به همین صورت است. امکان دارد مخاطب با خود بگوید چرا باید چنین برداشتی از فلان اثر داشته باشم؟ یا چرا من این برداشت را درک نمی‌کنم؟ و آن‌قدر برای درک برداشت ارائه‌شده نویسندگان با خود کلنجار بروم که کلافه شود. به‌عبارتی، به‌جای این‌که به مخاطب فرصت دهند تا طبق برداشت خود با یک اثر ارتباط برقرار کند، نسخه‌ای قاطعانه می‌پیشنند و آن را برای همه مخاطبان تجویز می‌کنند.

۲.۵ قدرت تحلیل مباحث

آلن دوباتن و جان آرمسترانگ در این کتاب به‌خوبی هنر را با نگاهی فلسفی و روان‌شناختی تجزیه و تحلیل کرده‌اند. با توجه به پیشینه کاری و آثار این دو نویسنده در زمینه فلسفه، همان‌گونه که انتظار می‌رفت، در کتاب *هنر هم‌چون درمان* نیز به‌خوبی از عهده بررسی علمی مسئله مورد نظر برآمده‌اند. نقطه مثبت تحلیل مباحث این کتاب زبانی ساده و بدون پیچیدگی است که نویسندگان با استفاده از آن باعث ایجاد رابطه صمیمی‌تری بین مخاطبان و هنر می‌شوند. اما نقطه ضعف این تحلیل‌ها تحمیل قاطعانه نظرهای خود به مخاطبان است.

۶. نقد محتوای کتاب

۱.۶ نقاط قوت

- کتاب زبانی ساده دارد و با وجود این که از دریچه فلسفی و روان‌شناختی به هنر نگریسته، این موضوع باعث سنگینی و نامفهوم بودن متن کتاب برای مخاطبان نشده است.
- نویسندگان این کتاب در تلاش‌اند تا مخاطبان مختلف را با هنر آشتی دهند و رابطه صمیمانه‌ای بین آن‌ها برقرار کنند.
- نویسندگان مخاطبان را با هنر کاربردی آشنا می‌کنند و به آن‌ها نحوه به‌کارگیری هنر در ابعاد مختلف زندگی روزمره را آموزش می‌دهند.
- با مثال‌هایی روشن مطالب را در ذهن خواننده کتاب تثبیت کرده‌اند و باعث ایجاد ارتباط بین مباحث فلسفی و روان‌شناختی با هنر شده‌اند.
- کتاب به‌جای این که بگوید غم و اندوه بد است؛ فوراً آن را کنار بگذارید و شاد باشید، می‌گوید: غم و اندوه هم بخشی از زندگی است و در زمینه اندوه نیز کارکردی برای هنر قائل است: «یکی از چیزهایی که فکرش را نمی‌کنیم اما مهم است و هنر می‌تواند برای ما انجام دهد این است که به ما یاد دهد چه‌طور با موفقیت بیش‌تری رنج بکشیم» (همان: ۲۷) و در این زمینه اثر *فرناندو پَسوآ* از ریچارد سرا را معرفی می‌کند. این‌که به‌جای تنها گذاشتن مخاطب در زمان ناراحتی و انکار غم و اندوه با او هم‌دلی می‌کند نیز از نقاط قوت کتاب محسوب می‌شود.
- نویسندگان این کتاب به این واقعیت اشاره می‌کنند که «از آن‌جاکه همه ما چیزهای یکسانی را از دست نداده‌ایم، هنری را که توانایی میزان کردن ما را داشته باشد و در نتیجه

ما را بر سر ذوق بیاورد به طرز چشم‌گیری با دیگری متفاوت خواهد بود» (همان: ۳۳) و می‌گویند هر شخص، با توجه به کمبودها و نقاط تاریک روحش، ممکن است تحت‌تأثیر اثری متفاوت قرار بگیرد و نقش درمانی هنر را به نوع خاصی از هنر منوط نکرده‌اند. در بخش پیش‌گفتار نیز منظور خود از هنر را «مقوله‌ای که آثار طراحی، معماری، و صنایع دستی را در بر می‌گیرد» معرفی می‌کنند و بدین ترتیب نظریات خود را به همه اقسام هنر بسط می‌دهند.

۲.۶ نقاط ضعف

- در این کتاب، نویسندگان خوب یا بد بودن اثر هنری را به کارکرد آن اثر در قبال رفع نیازهای درونی انسان منوط می‌دانند. به عبارت دیگر، اگر اثر هنری حداقل یکی از ضعف‌های درونی انسان و چگونگی درمان آن به وسیله هنر را مورد توجه قرار نداده باشد و کارکردی برای رفع معضلات احساسی ارائه نکرده باشد، اثری بد محسوب می‌شود. این دیدگاه، نظریه «هنر برای هنر» را به کلی رد می‌کند و دیدگاه «هنر برای درمان» را معتبر می‌داند، اما این دیدگاه کمی خودخواهانه به نظر می‌رسد؛ در بعضی موارد یک اثر هنری بدون آن‌که بخواهد مفهوم خاصی را منتقل کند یا مشکلی از جامعه و افراد برطرف کند، می‌تواند زیبا و خوب باشد، صرفاً به این دلیل که یک اثر هنری است. «در دیدگاه هنر برای هنر، هنر به گونه‌ای تعریف و تلقی می‌شود که وجوه منشأ بودن احساسات و نفسانیات، خلاقیت هنرمند و بکرزایی، و فرم و زیبایی تکنیکی بر وجوه زیبایی‌شناختی معنوی و محتوا و تعهد غلبه می‌یابد» (رشاد ۱۴۰۰: ۱۷۰). به بیان دیگر، یک اثر هنری می‌تواند خوب و زیبا باشد بدون این‌که بخواهد کاری برای انسان انجام دهد. حس خوب ناشی از زیبایی اثر هنری در انسان را می‌توان جزو کارکردهای آن اثر در احساسات انسانی به‌شمار آورد.

- در بخش «چه نوع هنری باید خلق کرد؟» آمده است:

باید جرئت کنیم هنر را چیزی بیش از صرفاً حاصل تخیلات نامنظم هنرمندان بدانیم. باید آثار هنری را به سمتی هدایت کنیم تا وظیفه کمک به ما در رسیدن به خودشناسی، به یاد سپردن بخشش، و عشق را به عهده بگیرد؛ و حساس ماندن نسبت به دردهایی که هم‌نوعانمان در طول تاریخ کشیده‌اند و سیاره‌ای که شدیداً در خطر است (دوباتن و آرمسترانگ ۱۳۹۴: ۸۶).

نقد و بررسی کتاب *هنر هم‌چون درمان* (زهره‌ا حسینی‌آبادی و نگار آویشی) ۳۴۹

اما این سؤال پیش می‌آید که نویسندگان این کتاب براساس چه تفکری بیان می‌کنند که باید «هنر را چیزی بیش از صرفاً حاصل تخیلات نامنظم هنرمندان بدانیم»؟ مگر هنرمند به همین دلیل تبدیل به هنرمند نشده است؟ هنر یک هنرمند همین است که با استفاده از تخیلاتش به یک تابلو، عکس، و ... جان دهد. اگر قرار باشد هنرمند صرفاً مجری طرحی باشد، ارزش هنری اثر در چیست؟ تئوفیل گوتیه می‌گوید:

به‌طور کلی، هرچیز وقتی که مفید شد دیگر نمی‌تواند زیبا باشد، زیرا وارد زندگی روزمره می‌شود ... ما مدافع استقلال هنریم. برای ما هنر وسیله نیست، بلکه هدف است. هر هنرمندی که به فکر چیز دیگری به‌جز زیبایی باشد در نظر ما هنرمند نیست (رشاد ۱۴۰۰: ۱۷۱).

اگر از هنرمند فقط انتظار داشت که مانند یک پزشک در مواقع مختلف برای هر مخاطب نسخه‌ای بپیچد و به خورد آن دهد تا حس بهتری را در بیننده یا شنونده ایجاد کند، باز هم می‌توان به او لقب «هنرمند» داد؟ شاید طرفداران این کتاب بگویند که هنر هنرمند در همین است که تشخیص دهد هر مخاطب به‌منظور بهبود احوالاتش به چه هنر یا اثر هنری احتیاج دارد، اما از نظر نگارندگان این مقاله این توقع از ارزش هنر می‌کاهد و خلاقیت و ذهن او را در خطر تکراری‌شدن قرار می‌دهد. نظر فلوپین درباره هنر بسیار ارزشمند است. او می‌گوید: ارزش ذهن هنرمند حتی از اثری که تولید می‌کند نیز بیش‌تر است.

طبیعت کار هنر را استوار و هموار ساخت و هنرمندان را در ماده و هیولای هستی‌ها نیرومند گرداند تا هنرمند گونه‌های نیکو و زیبا و بزرگواری را که خواست در هستی‌های مادی پدید آورد. همانا پیکر و صورت ساخته‌شده زیباست و صورت طبیعی، که در ماده و هیولا جای دارد، از آن زیباتر است، ولی صورت و پیکری که در هیولا و ماده‌ای جای ندارد و جایگاه آن در نیروی خلاقه هنرمند است همان پیکر از صورت طبیعت زیباتر و نیکوتر است (فلوپین ۱۳۸۸: ۱۱۹).

پس چرا باید این ذهن خلاق را که می‌تواند چون پرنده‌ای سبک‌بال به هر سمت و سویی پر بکشد محدود کرد و این‌گونه پنداشت که آثار هنری‌ای که به این صورت به وجود می‌آیند چون حاصل تخیلات نامنظم هنرمندان‌اند، پس از ارزش کافی برخوردار نیستند؟ هنر می‌تواند بدون آن‌که در خدمت کسی یا چیزی درآید زیبا و مفید باشد.

- این کتاب در پاسخ به سؤال چگونگی مطالعه هنر راه‌کاری پیش‌نهاد می‌دهد:

محققان باید این مسئله را بررسی کنند که چه‌طور می‌شود روح آثاری را که تحسین می‌کنند بیش‌تر با ضعف‌های روان‌شناختی مخاطب مرتبط کنند ... و، با در نظر داشتن این نکته، محققان با این پرسش انسانی به سقف سیستین، همان‌طور که به تمامی آثار هنری، نزدیک می‌شوند که «می‌خواهید چه درسی به ما بدهید که به زندگی ما کمک کند؟» هرچیزی جز این، هرچه‌قدر هم که ذکاوت‌مندانه و سرشار از اطلاعات باشد صرفاً یک مقدمه یا ابزار حواس‌پرتی خواهد بود (دوباتن و آرمسترانگ ۱۳۹۴: ۹۶).

بدین‌گونه این کتاب هر اثر هنری را، که انسان با مشاهده آن نتواند درس بگیرد تا در زندگی‌اش به‌کار ببندد، عامل حواس‌پرتی می‌داند، اما شاید در برخی مواقع انسان نیاز داشته باشد که، به‌جای این‌که مثل همیشه در حال آموختن و یادگیری باشد، با مشاهده اثری هنری کمی حواس خود را پرت کند و روحش در جهانی دیگر سیر کند.

- نویسندگان شغل هنرمند را شغلی جذاب می‌دانند و این‌طور بیان می‌کنند که «هنرمند موفق آن زندگی‌ای را دارد که در تصویر ایدئال مدرن از کار ارائه می‌شود» (همان: ۲۲۴) و هنرمندی را مثال می‌زنند که با سه‌پایه خود به حومه شهر می‌رود و هرآن‌چه را که می‌بیند و با آن ارتباط برقرار می‌کند به تصویر می‌کشد و از راه این علاقه و لذتی که می‌برد پول درمی‌آورد. اما در مطالب پیشین این کتاب بیان شد که «باید جرئت کنیم هنر را چیزی بیش از صرفاً حاصل تخیلات نامنظم هنرمندان بدانیم» (همان: ۸۶) و هنری را که هنرمند با استفاده از خلاقیت خود می‌سازد ناکافی و باعث حواس‌پرتی تلقی کرد. اما در این بخش شغل هنرمندان را ایدئال می‌داند و به دیگران پیش‌نهاد می‌دهد که از آن الگو بگیرند. به‌نظر می‌آید این دو نظریه با هم در تناقض‌اند. از طرفی، خلاقیت هنرمندان را زیر سؤال می‌برد و از طرف دیگر این خلاقیت را تحسین و سعی می‌کند الگویی از آن برای دیگران بسازد. نویسندگان این کتاب اعتقاد دارند که می‌توان از روش هنرمندان درس‌های مهمی گرفت؛ «مثل این‌که چه‌طور می‌شود شغلی را کشف کرد، لحظات الهام را به شغل بدل کرد، و از استعدادهای شخصی پول درآورد» (همان: ۲۲۴). اما اگر هنر را به خدمت درمان درآورد و هنرمند صرفاً مجری باشد، آیا باز هم می‌توان لحظات الهام و استعدادهای شخصی هنرمند را ستود و از آن‌ها درس گرفت؟ در ادامه با بررسی زندگی شغلی برخی از هنرمندان راه‌کارهایی در جهت موفقیت در شغل و زندگی ارائه می‌کند.

نقد و بررسی کتاب *منر هم چون درمان* (زهرا حسین آبادی و نگار آویشی) ۳۵۱

- نویسنده‌گان به لکه‌دارشدن هنر سیاسی در چشم بعضی از افراد اشاره می‌کنند و دلیل آن را تبدیل شدن هنر به ابزار دست حکومت‌ها توسط اهل قدرت در دوره‌های مختلف می‌دانند و این‌گونه استدلال می‌کنند:

آن‌قدر این فساد تمام‌وکمال بوده که گاهی چنین به‌نظر می‌رسد که هنر تا زمانی که تمامی جاه‌طلبی‌های سیاسی را انکار نکند نمی‌تواند صادق باشد؛ موضعی که در اصرار به بقای شعار "هنر برای هنر تجسم می‌یابد و هم‌چنین در گفته‌ حسرت‌آمیز و درعین حال پُرنخوت دابلیو. ایچ. اودن که "شعر باعث هیچ اتفاقی نمی‌شود" (همان: ۲۳۷).

این کتاب در مطالب پیشین به‌صورت غیرمستقیم «هنر برای هنر» را رد و «هنر برای درمان» را پیش‌نهاد کرد، اما در این قسمت «اصرار و بقای شعار هنر برای هنر» را راهی برای پاک‌شدن هنر سیاسی از فساد می‌داند. پرسشی که شاید در ذهن مخاطب این کتاب به‌وجود آید این است: «پس چرا هنر باید حتماً باعث درمان شود؟» اگرچه این موضوع که هنر بتواند معضلات و مشکلات روحی انسان‌ها را درمان کند بسیار تأثیرگذار است، این‌که در همه‌ موارد از هنر انتظار داشت که به‌جای «هنر برای هنر»، «هنر برای درمان» باشد، به کیفیت آن آسیب می‌رساند.

- نویسنده‌گان این کتاب روابط خوب، شهرهای شیک، کارهایی را که محترم و از نظر عاطفی و هم‌چنین از نظر مالی رضایت‌بخش‌اند آثار هنری واقعی می‌دانند و چیزهایی را که دیگران هنر می‌نامند در مقایسه با آن‌ها صرفاً اشاره و راه‌نمایی‌هایی نسبی تلقی می‌کنند. این کتاب ادعا می‌کند:

هدف حقیقی هنر خلق جهانی است که هنر در آن از ضرورت کم‌تری برخوردار است و چندان خاص و استثنایی نیست؛ جهانی که ارزش‌هایش به‌طرزی بی‌قاعده در سراسر زمین پخش شده‌اند؛ نه مثل الان که ارزش‌هایش با غلظت زیاد در راهروهای طاق‌دار موزه‌ها تحسین و پرستیده می‌شود (همان: ۲۸۲).

اما مگر در همین کتاب به عادی‌شدن مسائل و جنبه‌های مختلف زندگی برای انسان‌ها اشاره نشد؟ اگر از ارزش هنر نیز کاسته شود و از ضرورت کم‌تری برخوردار باشد، چه‌طور می‌توان با آن انسان‌ها را تحت‌تأثیر قرار داد و طبق ادعای کتاب به درمان آن‌ها پرداخت؟ ارزش و شأن هنر باید هم‌چنان حفظ شود تا هنگامی که انسان از تمام روزمرگی‌ها خسته و کلافه شد به آن‌ها پناه ببرد نه این‌که آن‌قدر ارزشش کاهش یابد که به یکی از موضوعات روزمره و پیش‌پاافتاده‌ انسان تبدیل شود. هدف نهایی هنردوستان

را خلق جهانی می‌داند که در آن کم‌تر به آثار هنری نیاز داریم. سؤالی که پیش می‌آید این است که، طبق ادعای کتاب، حال که هنر مزایا و کارکردهای زیادی در زمینه‌های مختلفی چون درمان روح انسان‌ها، سیاست، و دید خوش‌بینانه به پول دارد، چرا باید جهانی ساخت که در آن به آثار هنری کم‌تر نیاز باشد؟ مادامی که به‌وسیله هنر می‌توان تغییرات مثبتی در روح و روان مردم، فرهنگ جامعه، آموزش انسان‌ها، و غیره ایجاد کرد، چرا باید به آن ادعای بی‌نیازی داشت؟

- به‌نظر می‌رسد در این کتاب سوگیری‌های یک‌جانبه در مقابله با هنر و آثار هنری وجود دارد. به‌عبارتی، نویسندگان به‌جای تبیین کارکردهای مختلف هنر در زمینه‌های روحی و روانی، سیاسی، اقتصادی، و غیره و آشناکردن مخاطبان با این کارکردها و تشویق آن‌ها به استفاده از هنر در این زمینه‌ها، علاوه‌بر نقش زیبایی آثار هنری، بیش‌تر به نوعی مبارزه علیه هنر و جایگاه آن پرداخته‌اند و با شعار «هنر برای هنر» مخالف‌اند و فقط هنر ارزشی یا هنر برای درمان را ارزش‌مند می‌دانند و سعی در رواج آن دارند. نویسندگان این کتاب به‌وضوح اعلام می‌کنند که ارزش هنر باید کاسته شود و، به‌جای تولید آثار هنری براساس تخیل هنرمند، هنر سفارشی باید باب شود. در صورتی که اگر این کتاب بدون جانب‌داری یا سوگیری صرفاً به تبیین کارکردهای مختلف هنر در زمینه‌های مختلف می‌پرداخت، می‌توانست جنبه‌های دیگری غیر از زیبایی در هنر را به مخاطبان نشان دهد. اما پس از این سوگیری‌ها، این کتاب بیش‌تر به ابزاری برای سرکوب هنر و وسیله‌ای برای به‌خدمت‌درآوردن آن در جهت اعتلای زمینه‌های دیگری چون اقتصاد، سیاست، و درمان تبدیل شده است. در روزگاری که هنر صرفاً جنبه‌ای تزئینی به خود گرفته، اثری که بتواند مخاطبان آثار هنری را با جنبه‌ها و کارکردهای دیگر هنر آشنا کند و میان هنر و مخاطب صمیمیت بیش‌تری به‌وجود آورد درخور تحسین است، اما به‌زیرکشیدن جایگاه واقعی هنر نیز شایسته نیست.

۷. نتیجه‌گیری

هنردرمانی از مسائل مهمی است که خصوصاً در سالیان اخیر موردتوجه افراد زیادی از جمله روان‌شناسان قرار گرفته است. هنر در برخی از اوقات می‌تواند ابزاری برای بیان نیازها و احساسات سرکوب‌شده یا بیان‌نشده باشد. هنر هم‌چنین می‌تواند انسان‌ها را با جنبه مثبت مشکلاتشان آشنا کند که تا به حال به آن توجه نکرده‌اند و به همین دلیل تحمل مشکلات برایشان ناممکن شده است. در این زمان، هنر هم‌چون ابزاری به‌منظور التیام دردهای درونی

عمل می‌کند. کتاب *هنر هم‌چون درمان*، نوشته آلن دوباتن و جان آرمسترانگ، با استفاده از روایات داستانی، درس اخلاق، فلسفه، و دیدگاه آلن دوباتن دید جدیدی به رابطه انسان و هنر پیش روی بشر قرار می‌دهد. آلن دوباتن و جان آرمسترانگ اعتقاد راسخ دارند که هنر می‌تواند در مواجهه با معمولی‌ترین دوراهی‌هایمان به ما کمک کند و می‌پرسند: برای مشکلات روابطم چه کنم؟ چرا کار من رضایت‌بخش‌تر نیست؟ چرا به‌نظر می‌رسد دیگران زندگی پُرزرق‌وبرق‌تری دارند؟ چرا سیاست این‌قدر افسرده‌کننده است؟ و در پاسخ به این سؤالات هنردرمانی را معرفی می‌کنند. این کتاب، که در واقع جستاری درباره هنر به‌مفهوم عام خود است، سعی در ارائه دیدی زیبایی‌شناسانه و نه تخصصی و منحصربه‌فرد به دنیای هنر داشته است. کتاب حاضر، برخلاف ایده مشهور «هنر برای هنر»، همواره برای هنر غایتی در نظر می‌گیرد و از این‌رو در عنوان آن نیز به این هدف اشاره شده است؛ هنر به‌عنوان درمان و هنرمند به‌عنوان درمان‌گر. هدف این کتاب معرفی روشی جدید در تفسیر هنر است: هنر به‌عنوان نوعی درمان. ادعای نویسندگان این کتاب این است که برخی از آثار هنری راه‌حل‌های قدرت‌مندی برای مشکلات انسان‌ها ارائه می‌دهند، اما برای این‌که این توانایی آزاد شود، توجه مخاطب باید به روشی جدید، که در کتاب به آن اشاره شده است، معطوف شود، نه به‌سمت دغدغه‌های تاریخی یا سبکی عادی‌تر که کتاب‌های هنری و زیرنویس‌های موزه‌ها به‌طور سنتی با آن‌ها مرتبط‌اند. در بخش‌هایی از این کتاب به هنر با دیدی سلیقه‌ای نگریسته شده است، اما باید سلیقه را کنار گذاشت، زیرا سلیقه به انسان اجازه می‌دهد از این فرض عبور کند که هنر به‌خودی‌خود ارزشی ندارد و فقط زمانی با ارزش است که دارای برخی چیزهایی باشد که انسان می‌گوید؛ در صورتی که هنر خودبه‌خود دارای ارزش است و با قضاوت نمی‌شود به آن چیزی افزود یا کم کرد. آلن دوباتن و جان آرمسترانگ از دیدی روان‌شناسانه به هنر نگاه می‌کنند و سعی دارند آن را از جایگاه والایی که دارد به زیر بکشند. *هنر هم‌چون درمان* کتابی است که مطالعه آن می‌تواند برای هنرمندان و هنردوستان به‌شدت آزاردهنده باشد، زیرا تفکرات و نظرهایش برخلاف آن چیزی است که تا به امروز در کتاب‌های دیگر درباره هنر نوشته شده است. موضوع کلی کتاب بسیار مناسب است و اگر بتوان بدون جانب‌داری مخاطب را با این زمینه‌ها آشنا کرد، می‌توان آن را در زمینه‌های مختلف هنری به‌صورت جزئی‌تر بسط داد. مثل نقش درمانی نقوش کاشی‌کاری مساجد یا تأثیری که معماری مساجد اسلامی در روحیه مخاطب می‌گذارد. اما باید به‌خاطر سپرد که در پس همه این کاربردها قرار نیست هنر شأن اصلی خود را از دست بدهد و فقط به ابزاری دم‌دستی برای نیل انسان‌ها به اهدافشان تبدیل شود، بلکه باید مخاطب آثار هنری اعم از نقاشی، موسیقی، و معماری را با این واقعیت آشنا کند

۳۵۴ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۲

که هنر، علاوه بر جنبه تزئینی و نقش آن در زیبایی محیط، می‌تواند تأثیرات مثبتی در احوالات انسان‌ها نیز داشته باشد.

پی‌نوشت

۱. این مقاله براساس شیوه‌نامه پیشین پژوهش‌نامه نگارش و داوری شده است.

کتاب‌نامه

- اتحاد، علی (۱۳۹۵)، «هنر هم‌چون درمان؛ راه‌کاری عملی درباره کتاب هنر هم‌چون درمان»، فصل‌نامه نقد کتاب، ش ۹-۱۰.
- جوانمرد، شبنم (۱۳۹۷)، گره‌هایی بیرونی بر گره‌های درونی، نمود هنردرمانی در آفرینش دست‌بافته‌های تزئینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر.
- دوباتن، آلن و جان آرمسترانگ (۱۳۹۴)، هنر هم‌چون درمان، ترجمه مهرناز مصباح، تهران: چشمه.
- رشاد، حامد (۱۴۰۰)، «تأملی در امکان یا امتناع "هنر ارزشی"»، قبسات، ش ۹۹.
- رضی‌پور، جعفر (۱۳۸۷)، مطالعه تحلیلی هنردرمانی با تأکید بر نقاشی‌درمانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنر دانشگاه شاهد.
- فلوطین (۱۳۸۸)، اتولوجیا ترجمه عربی ابن‌ناعمه حمصی از تاسوعات فلوطین، ترجمه و شرح حسن ملکشاهی، تهران: سروش.
- مظفریان، رایحه (۱۳۸۷)، «انسان‌شناسی هنر برای درمان بیماری‌های روانی و جسمی (هنردرمانی)»، همایش روان‌شناسی و کاربرد آن در جامعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

Bitonte, R. A. and M. D Santo (2014), "Art Therapy: an Underutilized, Yet Effective Tool", *Mental Illness*, vol. 6, no. 1, 18-19.

De Botton, A. and J. Armstrong (2013), *Art as Therapy*, London: Phaidon Press.

Ittehad, A. (2016), "Art as Therapy; A Practical Solution to the Book of Art as a Therapy", *Book Review Quarterly*, no. 9-10.

Javanmard, Sh. (2018), *External Knots on Inner Knots, the Manifestation of Art Therapy in the Creation of Decorative Textures*, Master Thesis, Faculty of Applied Arts, University of Arts.

Mozaffarian, R. (2008), "Anthropology of Art for the Treatment of Mental and Physical Illnesses (Art Therapy)", Conference on Psychology and its Application in Society, Islamic Azad University, Marvdasht Branch.

نقد و بررسی کتاب منرم چون درمان (زهرا حسین آبادی و نگار آویشی) ۳۵۵

Rashad, H. (2021), "A Reflection on the Possibility and Impossibility of Committed Art", *Qabasat*, no. 99.

Razipour, J. (2008), *Analytical Study of Art Therapy with Emphasis on Painting Therapy*, Master Thesis, Shahed University Faculty of Arts.

Plotinus (2009), *Othologia of Ibn Na'imah Homsî's Arabic Translation of Plotinus' Developments*, Hassan Malekshahi (trans. and explained), Tehran: Soroush.

<<https://www.alaindebotton.com> (Accessed 25/01/2022)>.

<<http://www.artastherapy.com> (Accessed 23/01/2022)>.

